

بلندخوانی برای کودکان

فرزانه شهرتاش

مؤلف و مترجم کتاب‌های آموزشی

اشاره

در این شماره از مجله علاوه بر یادداشت سردبیر، مطالب گوناگونی درباره‌ی کتاب‌خوانی فراهم کرده‌ایم که بلندخوانی برای کودکان یکی از آنهاست. در واقع مجموعه‌ی مطالبی که در این شماره درباره‌ی کتاب و کتاب‌خوانی در مجله ارائه خواهد شد، به نوعی پرونده‌ای درست کرده است که امیدواریم مورد توجه مخاطبان قرار گیرد.



می‌طلبد، اضافه کنیم نتیجه این می‌شود که محیطی مناسب برای رشد عدم تمرکز فراهم آورده‌ایم. تعداد دانش‌آموزان بیش‌فعال مدارس، خود حاکی از وجود کودکانی است که قربانی این محیط شده‌اند. بلندخوانی برای کودک درست خلاف این وضعیت است و توجه کودک به صدا، تصویر و جزئیات و گوینده را تقویت می‌کند. بلندخوانی و سپس خواندن متن‌ها بر محور لذت‌بخش بودن و علاقه داشتن، مهارت تمرکز را برای کودکان به ارمغان می‌آورد.

۳. بلندخوانی تعداد واژگان کودک را افزایش می‌دهد. میزان دشواری متن یک داستان خوب، سه برابر یک محاوره‌ی معمولی با کودک است. با گسترش دایره‌ی واژگان، درک شنیداری (کلماتی که می‌شنویم) افزایش می‌یابد که خود به درک خواندن و نوشتن (کلماتی که می‌خوانیم و می‌نویسیم) کمک می‌کند.

بلندخوانی هم‌چنین موجب تقویت مهارت خواندن در دوران یادگیری کودک می‌شود و چون خواندن، پایه‌ی دروس دیگر است بنابراین روی پیشرفت تحصیلی کودک تأثیر مستقیم و به‌سزایی دارد. خواندن امری اکتسابی است و کودک هرچه بیشتر بخواند، بهتر می‌خواند و هرچه بهتر بخواند، بهتر درک می‌کند. درک بهتر هنگام خواندن، یادگیری

او کاشته می‌شود. والدین، معلمان، پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی که برای کودک داستان می‌خوانند، این دانه را در ذهن او می‌کارند و پیوندی را برقرار می‌کنند که نه تنها مخرب نیست بلکه ترغیب‌کننده و رضایت‌بخش است. این در حالی است که تکالیف و آزمون‌های مدرسه چنین نیستند.

۲. بلندخوانی زمان تمرکز کودکان را برای شنیدن افزایش می‌دهد. جنبه‌ی ناخوشایند زندگی امروزی، پراکندگی آن است. معلمان همواره از کاهش زمان تمرکز کودکان شکایت دارند. فرهنگ امروزی مانع از تمرکز و توجه است. در کشور ما ده‌ها شبکه‌ی تلویزیونی و ده‌ها برابر آن کانال‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی وجود دارد که تا ده سال پیش وجود نداشت. امروزه برنامه‌ها و فیلم‌ها دائم با چرخش زاویه‌ی دوربین روبه‌رو هستیم. دو ثانیه از این زاویه، سه ثانیه از زاویه‌ی بازتر و بعد چهار ثانیه از نزدیک و همین‌طور تا آخر. وقتی به‌طور روزانه با پدیده‌ی پراکندگی سروکار داریم، توانایی تمرکز روز جزئیات را از دست می‌دهیم، چیزی که خلاف یادگیری است. ذهن کودکانی که جلوی تلویزیون می‌نشینند به زمان‌های کوتاه و سرعت‌های بالا و هیجانات متوالی عادت می‌کند و مهارت تمرکز و دقت برای مدت طولانی را از دست می‌دهد. حالا اگر برای نوجوانان و جوانان و حتی بزرگسالان فرهنگ پیامک (اس‌ام‌اس) را هم که اکثراً پاسخ‌های کوتاه و سریع

ولی / مربی محترم شاید از خود بپرسید:

- فایده‌ی بلندخوانی برای کودکان چیست؟
- آیا این کار برای والدین نیز فایده‌ای دارد؟
- با گرانی کتاب‌ها چه کنیم؟
- نقش بلندخوانی در پیشرفت تحصیلی فرزندان چیست؟
- و چه کسی بهتر است این کار را انجام دهد؟ و تا چه زمانی؟
- چه زمانی برای کودکان داستان بخوانیم؟
- و بالاخره در دنیای دیجیتال چه نیازی به کتاب‌های چاپ‌شده‌ی سنتی داریم؟

کمی پیرامون جواب‌های احتمالی به سؤالات بالا با شما صحبت می‌کنیم. امیدواریم که این نوشته انگیزه‌ای باشد تا این کار لذت‌بخش و پرفایده را برای کودکان آغاز کنید یا هم‌چنان بدان ادامه دهید.

● هدف از بلندخوانی داستان، همان است که در حرف‌زدن با کودک دنبال می‌کنیم. بعضی از دلایل آن می‌تواند شامل اطمینان‌دهی و ایجاد حس امنیت از کنار هم بودن، سرگرم‌شدن، ایجاد هم‌بستگی و پیوند فرهنگی - عاطفی، دادن آگاهی، تحریک حس کنجکاوی، لذت‌بردن و نظایر آن باشد. ولی از این‌ها مهم‌تر دلایل زیر است:

۱. بلندخوانی پیوندی دوست‌داشتنی میان کودک و نوشتارها برقرار می‌کند. هیچ‌کس در بدو تولد عاشق فوتبال یا خواندن نیست. این شوق به وسیله‌ی افرادی غیر از کودک در ذهن



را برای کودک با معنا می‌کند و «بامعنایی» به او قدرت تفکر بهتر و عمیق‌تری می‌دهد. بهتر خواندن که موجب درک بیشتر می‌شود، رابطه‌ای مستقیم با قدرت استدلال کودک نیز دارد. خوب است بدانیم که آزمون‌های ادراکی گوناگونی برای درک شنیداری و درک خواندن وجود دارد (مانند آزمون پرلز).

● همواره درک شنیداری کودکانی که از بدو تولد تقویت شده است، از درک خواندن کودکان دیگر جلوتر است. تا زمانی که کودکان بتوانند در خواندن و درک مطالب خواندنی به اندازه‌ی درک شنیدن مهارت پیدا کنند، شنیده‌ها را بهتر درک می‌کنند. شما باید ابتدا یک کلمه را شنیده باشید تا بتوانید آن را بیان کنید یا آن را بخوانید و بنویسید. اگر شما کلمه‌ی «عظیم» را به طرزی بامعنا نشنیده باشید، هنگامی که موقعیت خواندن و نوشتن آن پیش آید معنای آن را درک نخواهید کرد. در واقع یک نوع گنجینه‌ی لغات در ذهن کودک وجود دارد و کار والدین پرکردن این گنجینه با کلمات هرچه بیشتر است تا به صورت کلام و سپس خواندن و نوشتن سرریز کند. کودکان چهار ساله در خانواده‌های مرفه حدود ۴۲ میلیون کلمه از بستگان خود می‌شنوند و کودکان خانواده‌های فقیر حدود ۱۳ میلیون کلمه. این اختلاف یعنی ۳۲ میلیون کلمه، خود معادل

جلو بودن کودکان مرفه به اندازه‌ی یک سال تحصیلی است. از طرفی کودکان ما حدود ۹۰۰ ساعت در مدرسه و حدود ۸۰۰۰ ساعت در کنار خانواده هستند. بنابراین چه کسی بهتر از پدر و مادر می‌تواند با دل‌سوزی و مراقبت، به تأمین مهارت‌های زندگی کودک از جمله مهارت خواندن کمک کند.

● بلندخوانی از سنین کودکی برای کودکان حداقل کار و مفیدترین کار در عرصه‌ی یاددهی - یادگیری است. طبق آمارهای بین‌المللی، کودکان حس حیرت و کنجکاوی خود را به‌خاطر حضور در مراکز آموزشی و روش‌های آموزشی موجود و نوع برخورد با ایشان تا سن یازده سالگی از دست می‌دهند، پس خوب است که از همین امروز اقدام کنیم.

ولی تا چه زمانی باید این کار را ادامه دهیم؟
● معمولاً سطح شنیداری و خواندن کودکان برابر نیست. این امر تا کلاس سوم راهنمایی ادامه دارد. یعنی زمانی که سطح خواندن به سطح شنیدن برسد، البته آن هم برای آن دسته از کودکانی که روی مهارت خواندن نیز به اندازه‌ی کافی تمرین می‌کنند. این بدان معناست که دانش‌آموزان کلاس اول می‌توانند کتاب‌های دانش‌آموزان کلاس چهارم را بشنوند و بفهمند ولی خود قادر به خواندن آن‌ها نیستند. همین‌طور یک دانش‌آموز کلاس

چهارم می‌تواند به داستان‌های دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی گوش کند. حتی خواندن کتاب‌های فصل‌بندی شده که معمولاً بدون تصویرند یا تصاویر کمی دارند نیز برای این دسته از کودکان، دنیایی از کلمه‌ها و ایده‌های تازه را باز می‌کند و در عوض به آن‌ها کمک می‌کند تا مطالب کتاب‌های درسی را بهتر بفهمند. کتاب‌هایی که جملات ساده و کوتاه دارند برای آن نوشته می‌شوند که خوانندگان مبتدی - که معمولاً در کشور ما کلاس اولی‌ها هستند - بتوانند به تنهایی آن را بخوانند. ولی حقیقت مطلب آن است که آن‌ها توانایی درک جملات بلندتر و واژگان غنی‌تر را نیز دارند و برای همین بزرگ‌سالان باید در خواندن متن‌های غنی‌تر به آن‌ها کمک کنند تا بدین ترتیب حس ماجراجویی آن‌ها ارضا شود.

● بلندخوانی گنجینه‌ی آن دسته از لغاتی را در کودک افزایش می‌دهد که در محاورات روزمره یافت نمی‌شود. لغاتی که در گفت‌وگوها نادرند ولی در یادگیری و آموزش به کار می‌روند و کلیدی‌اند. از این‌رو بلندخوانی به‌خصوص در سال‌هایی که کودک قادر به خواندن نیست، موجب آشنایی او با کلمات جدید و تسهیل امر خواندن در سال‌های آینده خواهد شد. کودک این لغت‌ها را از طریق شنیدن آن چه برایش خوانده می‌شود، در حافظه‌اش نگاه می‌دارد و

سعی می‌کند آن‌ها را در گفتار خویش به کار گیرد تا بعدها آن‌ها را در خواندن و نوشتن نیز به کار ببرد.

● وقتی می‌خواهید برای بچه‌ها بلندخوانی کنید، به گروه‌های سنی مندرج در کتاب توجه نکنید چون کودکان قدرت درک شنیداری بالاتری دارند مانند، وقتی که با ایشان سخن می‌گویید. ولی اگر کودک خودش بخواند کتاب بخواند، باید در سطح سواد علمی گروه سنی او کتاب را تعیین کنید. همواره علاقه و

مدت زمان تمرکز کودکان را هنگام بلندخوانی برای آن‌ها تأکید کنید. شما باید براساس شناختی که از کودک دارید و توجه به تفاوت سطح شنیداری و خواندن کودک، برای او کتاب بخوانید یا کتاب بخرید. این انتخاب با شماسات. گاهی برای یک کودک پیش‌دبستان از گروه «ب» و «ج» هم می‌شود کتاب خواند. این انتخاب‌ها بستگی به گنجینه لغات کودک نیز دارد. ● در آغاز دوره‌ی خواندن که در برخی کشورها

از چهار سالگی نیز شروع می‌شود، کودک نمی‌تواند متن‌هایی را با کلمات غیرمصطلح یا نادر بخواند. اگر در دوران کودکی آن کلمات را به کمک بلندخوانی والدین یا اطرافیانش شنیده باشد و بیان کرده باشد، برای خواندن آن‌ها آمادگی بیشتری دارد. کودکان به‌طور طبیعی در روند رشد خود ابتدا کلمات را می‌شنوند، سپس آن‌ها را بیان می‌کنند و بالاخره می‌خوانند و دست آخر می‌توانند آن‌ها را در نوشته‌هایشان به کار ببرند. حتی کودکانی که تازه شروع به

بایدهای بلندخوانی

- هرچه زودتر بلندخوانی را برای کودک خود آغاز کنید. وقتی کودکان کوچک‌ترند بهتر و آسان‌تر این کار انجام می‌شود.
- برای خردسالان مهم نیست که کتاب دارای تکرار و وزن باشد، وقتی بزرگ‌تر شدند کتاب‌های دارای وزن و قابل پیش‌بینی را اضافه کنید.
- هنگام خواندن کتاب‌هایی که قسمت‌های قابل پیش‌بینی دارند، گاهی در قسمت‌های کلیدی صبر کنید و اجازه دهید کودک کلمات را بگوید.
- هر وقت شما و کودکان (فرزندان / دانش‌آموزان) وقت دارید، با هم بخوانید و منتظر زمانی معین نمانید.
- سعی کنید حداقل یک زمان مشخص را برای خواندن داستان در طول روز در نظر بگیرید.
- به‌خاطر داشته باشید که هنر گوش کردن یک مهارت اکتسابی است که باید آموخته شود و به‌تدریج رشد کند؛ یک شبه اتفاق نمی‌افتد.
- با کتاب‌های تصویری شروع کنید، کتاب‌هایی که فقط چند خط در هر صفحه دارند. کم‌کم به سمت کتاب‌های پرحجم و با تصاویر کمتر و در نهایت به سوی کتاب‌های فصل‌بندی شده بروید.
- به تنوع و تغییر حجم و موضوع مطالب خواندنی از داستانی گرفته تا غیرداستانی توجه کنید.
- برای درگیر کردن کودکان خردسال از آن‌ها بخواهید در زمان لازم برای شما کتاب را ورق بزنند.
- همیشه قبل از خواندن متن، عنوان کتاب، نام نویسنده، نام تصویرگر و نام مترجم کتاب و حتی نام ناشر را برای کودک بخوانید.
- اگر برای اولین بار کتابی را می‌خوانید، درباره‌ی تصویر روی جلد بحث کنید. برای مثال: «فکر می‌کنی این کتاب درباره‌ی چیه؟»

- در حین خواندن برای مشارکت بیشتر مخاطب گاهی بپرسید: «فکر می‌کنی بعدش چی می‌شه؟»
- کتاب‌های تصویری را به راحتی می‌توان برای طیفی از کودکان در خانواده خواند هر چند که اختلاف سنی آن‌ها زیاد باشد. داستان‌های بلند در این مورد استثنا هستند. چنانچه اختلاف سن (و بالطبع اختلاف اجتماعی و عاطفی) میان کودکان بیش از دو سال وجود دارد، هر کودک در صورتی بهره‌مند خواهد شد که برایش جداگانه بخوانید. این کار نیروی بیشتری از طرف والدین می‌طلبد و به نتایجش می‌ارزد.
- تا زمانی که قدرت تخیل و مدت تمرکز کودک به حد لازم نرسیده است از خواندن متن‌های طولانی خودداری کنید. هیچ اشکالی ندارد که متن‌ها را کوتاه یا به‌طور کلی حذف کنید. وقتی متن‌ها را از قبل خوانده باشید، می‌توانید چنین قسمت‌هایی را شناسایی کنید و با مداد در حاشیه‌ی کتاب علامت بگذارید. **چارلز دیکنز** اغلب وقتی در مجامع عمومی می‌خواند، چنین ترفندی را به کار می‌برد.
- چنانچه فصول کتاب طولانی است و شما زمان کافی ندارید که هر روز فصلی کامل را بخوانید، یک قسمت حساس یا تعلیق‌کننده را برای توقف انتخاب کنید. اگر شنوندگان خود را تشنه رها کنید، آن‌ها برای نوبت بعدی خواندن، بیشتر لحظه‌شماری می‌کنند.
- ابتدا اجازه بدهید در طی چند دقیقه شنوندگان شما در جای خود مستقر شوند و وضعیت ذهن و بدن خود را برای این کار آماده کنند. اگر داستان بلند می‌خوانید با این سؤال شروع کنید: «دیروز کجا بودیم؟»، روحیه عامل مهمی در گوش دادن است. جملات «حالا بس کنید و آرام بگیرید»، «درست بنشینید و توجه کنید» لزوماً روحیه‌ی پذیرایی را ایجاد نمی‌کند.
- اگر کتاب تصویری می‌خوانید، مطمئن شوید کودکان می‌توانند تصاویر را به راحتی ببینند. اگر در مدرسه هستید، بچه‌ها را به صورت نیم‌دایره جلوی خود بنشانید. خودتان در

خواندن می‌کنند نیز نمی‌توانند فقط با خواندن کتاب‌هایی که توان آن را دارند، روحیه‌ی ماجراجویی و حس کنجکاوی خود را ارضا کنند. آن‌ها برای جبران این کمبود به آن‌چه دیگران برایشان تعریف می‌کنند یا می‌خوانند، عشق می‌ورزند. به همین دلیل وجود انگیزه و علاقه‌ی کودک به بلندخوانی همواره مهیاست و این امر برایش تحمیلی نیست چون او قادر به درک کلماتی است که خود قادر به خواندن آن‌ها نیست. بنابراین بلندخوانی برای کودکان

در سال‌های اول دوره‌ی ابتدایی بیش از دوران پیش‌دبستان (که کودک می‌داند، نمی‌تواند بخواند) مطرح است. ● انسان اساساً لذت‌طلب است و کارهایی را که دوست دارد، بارها و بارها انجام می‌دهد. اگر می‌خواهیم مطمئن شویم که کودکان در آینده به کتاب‌خوانی روی می‌آورند، باید مطمئن شویم که خواندن را دوست دارند. کودکان چون از شنیدن داستان لذت می‌برند، می‌توان با اتکا به این خصوصیت، پیوند و انس آنان را

با کتاب محکم کرد. ● بلندخوانی عامل تحریک‌کننده و انگیزه دهنده برای خواندن کودک است و علاقه به خواندن و میل به دانستن را در کودک افزایش می‌دهد. هر بلندخوانی مانند یک تبلیغ رسانه‌ای برای کتاب‌خوانی است. امید است با لذت‌بخش کردن زمان‌های بلندخوانی برای کودک، جمع امتیازات خواندن و خواندنی‌ها در دوران رشد او از امتیاز سایر جاذبه‌های اطراف وی مانند تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای پیشی

جای مرتفع‌تری قرار بگیرید که بچه‌های عقبی بتوانند کتاب و شما را از بالای سر دیگران ببینند.

۱۸. اگر داستان بلند می‌خوانید، خودتان و بچه‌ها طوری بنشینید که راحت باشید. برای خواندن جلوی یک پنجره‌ی پر نور نایستید چون نور پشت سر شما، چشم شنوندگان را می‌زند.

۱۹. به خاطر داشته باشید که از کتاب‌های تصویری همه لذت می‌برند، حتی نوجوانان و جوانان.

۲۰. چه در خانه و چه در مدرسه حتماً بعد از خواندن داستان، وقت برای بحث و گفت‌وگو بگذارید. افکار، امیدها، ترس‌ها و اکتشافات به‌وسیله‌ی کتاب تحریک می‌شوند. به آن‌ها اجازه‌ی ظهور بدهید و به کودکان اجازه دهید تا از طریق بیان شفاهی، نوشتاری یا هنری (چنان‌چه ذوق آن را دارند) واکنش نشان دهند. گفت‌وگوها را به آزمون تبدیل نکنید یا بچه‌ها را وادار نکنید که داستان را تفسیر یا معنی کنند.

۲۱. همه قادرند بلندخوانی کنند اما اجرای موفقیت‌آمیز و راحت آن با تمرین به‌دست می‌آید.

۲۲. از حالت‌های گوناگون لحن و چهره هنگام خواندن استفاده کنید. در صورت امکان تن صدای خود را متناسب با گفت‌وگوها تغییر دهید. سرعت خواندن را با متناسب با محتوای داستان کم و زیاد کنید. در قسمت‌های حساس و بلا تکلیف، شمرده و آهسته‌تر بخوانید.

۲۳. اشتباه عمومی در بلندخوانی - چه برای کودک هفت ساله بخوانید و چه برای آدم چهل ساله - آن است که تند بخوانید. برای کودک آن قدر شمرده بخوانید که بتواند تصاویر ذهنی خویش را از آن‌چه می‌شنود، بسازد. برای کودکان آن قدر شمرده بخوانید تا بتوانند بدون عجله تصاویر کتاب را دنبال کنند. تند خواندن به خواننده مهلت نمی‌دهد از لحن و آهنگ صدای مناسب هنگام خواندن استفاده کند.

۲۴. قبلاً خودتان کتاب را بخوانید. با این کار می‌توانید

تصمیم بگیرید که کجاها را تند کنید، کجاها را حذف یا با شرح و تفصیل بخوانید.

۲۵. نویسنده را نیز به همراه کتاب زنده کنید. به کمک نام نویسنده در جست‌و‌گوگر گوگل، سایت و تصویر او را بیابید و اطلاعات مربوط به او را بیان کنید. خواندن شرح حالی از نویسنده برای مخاطب، یادآوری می‌کند که کتاب‌ها به وسیله‌ی آدم‌ها نوشته می‌شوند نه ماشین‌ها.

۲۶. هر جا که ممکن بود به کتاب بعد سوم بدهید، مثلاً اگر داستان درباره‌ی شب یلدا و تنقلات مخصوص آن شب است حتماً یک کاسه انار یا آجیل شیرین جلوی دست بگذارید. ۲۷. از اقوام، دوستان (کادر مدرسه، اولیای داوطلب) بخواهید که داستان‌هایی را با صدای خود برای کودکان ضبط کنند تا شما برای دانش‌آموزان کلاس پخش کنید.

۲۸. برای کودکانی که سواد خواندن ندارند یا بیش‌فعال‌اند، معمولاً بسیار سخت است که فقط بنشینند و گوش دهند. وجود کاغذ، مداد شمعی و مداد رنگی هنگام گوش کردن باعث مشغولیت دستانشان می‌شود، درست مانند بزرگ‌سالانی که هنگام گوش کردن یا حرف زدن با تلفن چیزی را خط‌خطی می‌کنند.

۲۹. پدران در امر بلندخوانی برای فرزندان خویش باید بیشتر همت به‌خرج دهند چون معلمان مدارس ابتدایی معمولاً خانم هستند و کودکان به‌طور ناخودآگاه کار مدرسه و خواندن را به بانوان مرتبط می‌کنند. از طرفی پدران بیشتر دنبال بازی فوتبال و مانند آن هستند تا این‌که با فرزندان خود به کتاب‌خانه بروند. بی‌خود نیست که رتبه‌ی تحصیلی پسران در طول ده‌های اخیر نسبت به دختران رو به کاهش است. درگیری پدران با کتاب و کتاب‌خوانی در بالابردن مقام کتاب در ذهن پسران بسیار مؤثر خواهد بود.

۳۰. وقتی بچه‌ها دلشان می‌خواهد برای شما کتاب بخوانند، بهتر است کتاب هر چه می‌تواند ساده باشد تا مشکل.

نبايدهای بلندخوانی

۱. داستانی را انتخاب نکنید که خودتان از خواندن آن لذت نمی‌برید. بی‌علاقگی شما هنگام خواندن آشکار می‌شود و با هدف شما (ترغیب خواندن) مغایر است.

۲. وقتی متوجه می‌شوید کتاب انتخابی شما مناسب نبوده است، به خواندن ادامه ندهید. به اشتباه خود اذعان کنید و کتاب دیگری را برگزینید. البته مطمئن شوید به کتاب فرصت کافی برای شکوفایی و نمود داده‌اید چون ماجرای بعضی داستان‌های بلند کمی کندتر از سایر داستان‌ها شروع می‌شود. این قضیه درباره‌ی فیلم‌ها هم صادق است. گاهی فیلم شما را از صحنه‌ی اول جذب می‌کند و گاهی بعد از مدتی این کار صورت می‌گیرد.

۳. احساس معلمی را نداشته باشید که گویا همه‌ی چیزها بایست با محتوای کتاب‌های درسی پیوند داشته باشد. طیف وسیع ادبیات کودکان را با محدوده‌ی تنگ برنامه‌ی درسی ادبیات و سایر درس‌ها محصور نکنید. آیا شما دوست دارید تمام کارهای روزانه‌تان را به محتوای یک سخن‌گره بزنید در حالی که سخنان دیگری نیز وجود دارد؟ هدف ما این است که از کودک خواننده‌ی مادام‌العمر بسازیم و نه فقط یک خواننده در زمان مدرسه. این هدف هرگز میسر نمی‌شود چنان‌چه دانش‌آموز فکر کند خواندن همیشه با درس و کارهای شاق پیوند خورده است.

۴. شنونده‌ی خود را تحت فشار قرار ندهید. سطح رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی مخاطب خود را هنگام بلندخوانی در نظر بگیرید. هرگز بالاتر از سطح عاطفی - هیجانی کودک برایش نخوانید.

۵. کتابی را انتخاب نکنید که بچه‌ها قبلاً فیلم آن را در تلویزیون یا سینما یا ویدئو دیده‌اند. وقتی که ماجرای یک داستان معلوم است، انگیزه‌ی کودک بیشتر از میان می‌رود. شما همیشه می‌توانید اول داستان را بخوانید و بعد فیلم ویدئویی آن را تماشا کنید. به این ترتیب کودکان می‌توانند بفهمند که نوشته‌ها چه قابلیت‌هایی را برای پردازش دارند که فیلم‌ها ندارد. برای مثال می‌شود بحث کرد: «چه قسمت‌هایی در فیلم نبود؟ چرا؟ اگر قرار بود تمام ماجرای کتاب را به صورت فیلم درآوریم، فیلم ما چه قدر طول می‌کشید؟»

۶. در انتخاب داستان‌های بلند برای بلندخوانی از کتاب‌هایی که حجم بالایی از گفت‌وگو (دیالوگ سنگین) دارند، اجتناب کنید. این نوع کتاب‌ها برای خواندن و شنیدن دشوارند. تمام علائم نوشتاری مانند پیشروی پاراگراف یا بند، گیومه‌ها، پرانتزها و زیرنویس‌ها برای تسهیل در صامت‌خوانی است چرا که خواننده قادر به دیدن آن‌هاست و می‌تواند بفهمد که شخص جدیدی صحبت می‌کند ولی شنونده از درک چنین علائمی عاجز است. بخصوص اگر نویسنده از آوردن نام گوینده مانند، «خانم معلم گفت» در متن خودداری کرده باشد، آن‌گاه شنونده اصلاً متوجه نمی‌شود که چه کسی حرف زده است.

۷. گول جوایز ادبی نامبرده روی کتاب‌ها را نخورید. صرف

جایزه گرفتن یک کتاب، ضمانت کافی برای موفقیت آن کتاب در بلندخوانی نیست. بیشتر مواقع این جوایز به‌خاطر کیفیت نگارش یا تصویر اعطای می‌شوند و نه به‌خاطر کیفیت آن در بلندخوانی.

۸. اگر وقت کافی برای به پایان رساندن داستان را ندارید، از خواندن صرف‌نظر کنید. اگر قرار باشد بعد از یکی دو صفحه خواندن را قطع کنید، همان بهتر که اصلاً شروع نکنید. زیرا این امر به جای ایجاد انگیزه در واقع کسالت به همراه می‌آورد و ذوق کودک را در علاقه به کتاب‌خوانی از میان می‌برد.

۹. هنگام خواندن خیلی هم راحت نباشید. حالت لمیده و قوز کرده به احتمال زیاد خواب‌آلودگی به همراه می‌آورد. لم‌دادن پیام فوری به قلب می‌رساند که آرام بتپد. وقتی خون کمتری به گردش درآید، اکسیژن کمتری به مغز می‌رسد و حالت رخوت و سستی به انسان دست می‌دهد. این حالت برای همه فراهم نمی‌شود ولی برای اکثریت چنین است. سعی کنید پاهایتان را روی زمین نگاه دارید.

۱۰. با سؤالاتی که بچه‌ها هنگام خواندن می‌پرسند، خودتان را ناراحت نکنید، به‌خصوص اگر کودکان خردسال باشند. اگر هدف از سؤال کردن به تعویق انداختن زمان خواب یا عدم تمرکز و شیطنت نیست با حوصله به آن پاسخ دهید. خواندن که محدودیت زمانی ندارد، ولی کنجکاوی کودکان زمان مشخص و محدودی دارد. کنجکاوی کودکان را با جواب‌های باحوصله تقویت کنید و سپس خواندن را از سر بگیرید. البته سؤال‌های کلاسی متفاوت‌اند و بهتر است در پایان کار بدان‌ها پرداخته شود. با وجود بیست شاگرد سرکلاس که هر کدام سؤال‌ی مطرح کنند، هیچ‌وقت نمی‌توانید داستان را به پایان برسانید.

۱۱. تفسیر داستان را به شنونده‌ی خود تحمیل نکنید. یک داستان می‌تواند به تنهایی لذت‌بخش باشد و لزوماً هیچ دلیلی هم نمی‌خواهد و تازه شما حرف‌های دیگری برای کودک دارید تا بیان تفسیر خود از کتاب. بیشتر تأثیر ادبیات وقتی مشاهده می‌شود که کودکان بتوانند بعد از بلندخوانی پیرامون آن امکان بحث و گفت‌وگو داشته باشند.

۱۲. سعی نکنید با فیلم‌ها و تلویزیون رقابت کنید. برای مثال بگویید: «کدام یک را می‌خواهی، داستان یا تلویزیون؟» چون آن‌ها معمولاً تلویزیون را انتخاب می‌کنند. این درست مثل آن است به یک بچه‌ی نه ساله بگویید: «چی میل داری؟ سبزیجات پخته یا یک بستنی قیفی؟» چون شما بزرگسال هستید، این تصمیم‌گیری با شماست. تلویزیون سر ساعت هشت و نیم قطع می‌شود، اگر قبل از خواب داستان خواستی که خوب است و گرنه از تلویزیون خبری نیست و موقع خواب است! اجازه ندهید که کتاب‌ها مسئول جدایی کودکان از تلویزیون باشند. هر چند تحقیقات محدودیت استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و تلویزیون را در عملکرد بهتر دانش‌آموزان مورد تأیید قرار می‌دهد.

گیرد و کودک در این زمینه به خودجوشی و خودبستگی برسد.

● از آنجا که محور دروس ادبیات در مدارس چه‌گونه خواندن و نوشتن است، از میل به خواندن در این درس غفلت شده است. حال آن‌که مهارت خواندن و درک خواندن با تمرین به‌دست می‌آید و نه با آگاهی از اصول خواندن. حلقه‌ی مفقوده در مدارس ما به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی عدم توجه کافی به تنوع انگیزه در کودکان و رعایت تفاوت ذائقه‌ها و گوناگونی منابع ادبی اعم از داستانی، علمی تخیلی، طنز، افسانه‌های تمثیلی و کهن، داستان‌های ماجراجویانه، داستان‌های فکری و فلسفی، نمایشنامه، داستان پریان، فانتزی و... است. در کشورهایی مانند کانادا، آمریکا و انگلستان به‌گفته‌ی «کتاب هفته» (نشریه‌ی وزارت ارشاد اسلامی) میلیون‌ها کتاب از طرف نظام آموزشی برای ترغیب کودکان به خواندن به آن‌ها داده می‌شود تا در درس ادبیات استفاده شود. در متروی شهر تورنتوی کانادا از هر ۱۰ نفر دست کم هشت نفر به صورت ایستاده یا نشسته در حال خواندن هستند و این صحنه برای ما بسیار قابل تأمل است. باید دانه‌های خواندن را در زمان کودکی بکاریم.

● وقتی به سال‌هایی که برای کودکان خود کتاب خوانده‌اید برگردید، متوجه می‌شوید که به همان اندازه که شما به آن‌ها چیزی داده‌اید، آن‌ها نیز به شما چیزی هدیه کرده‌اند. این کار باعث می‌شود هر شب زمان پربراری را با آن‌ها سپری کنید و همین کار آغازگر گفت‌وگویی میان شما و آن‌ها می‌شود و تعلقات فرهنگی و عاطفی در این میان محکم می‌گردد. گاهی کتاب‌هایی را برایشان می‌خوانید که خودتان در کودکی از آن بی‌بهره بوده‌اید و گاهی کتابی را می‌خوانید که خود بسیار دوست داشته‌اید. در هر مورد بازگشت به دوران کودکی، به شما کمک می‌کند که پدر و مادر بهتری شوید. اگر کسی شما را از این کار منع کند حتماً برای هیچ کودکی کتاب نخوانده است. تجربه نشان داده است که هر کس این کار را انجام دهد، بار دیگر کودکی خود را مرور کرده است.

● دسترسی به فهرست کتاب‌های خوب برای کودکان همواره امکان‌پذیر است. مسئولان کتابخانه‌ها در مدارس و مراکز فرهنگی شهرداری یا کانون پرورش فکری و به‌ویژه معلمان از این کتاب‌ها باخبرند. ناشران کتاب‌های کودک و نوجوان نیز همواره بروشورهایی را در این زمینه منتشر می‌کنند یا در اینترنت قرار می‌دهند. شما خود نیز با مرور سریع کتاب‌ها در کتاب‌فروشی‌های کودک و با شناختی که از کودک خود دارید زود به این امر پی خواهید برد. اگر هم مایل نیستید کتاب‌ها را خریداری کنید، همیشه کتابخانه‌ها در خدمت شما هستند. بسیاری از بستگان نیز بعد از بزرگ‌شدن کودکان خود نمی‌دانند با کتاب‌هایشان چه کنند! خوب است رسم بخشیدن یا امانت‌دادن کتاب میان بستگان و دوستان و هم‌کلاسی‌ها معمول شود. این کار باعث چرخش کتاب‌های موفق و مورد علاقه‌ی کودکان خواهد شد. این روزها خبر از رسم خوب گذاشتن کتاب در اتوبوس، مترو و مراکز پرجمعیت مانند بوستان‌ها نیز به گوش می‌رسد. می‌توانید کتاب‌های اضافی خود را به کتابخانه‌ها، مدارس، مطب پزشکان کودک و دفتر پارک‌ها هدیه کنید. خوب است کتاب بچرخد تا این‌که در یک‌جا بماند!

● لازم نیست نگران زمان بلندخوانی باشید و خیلی وسواس به خرج دهید. اگر کتاب در خانه باشد، وقت خواندنش پیدا می‌شود. گاهی ممکن است قطعه‌ای را از روزنامه یا مجله یا متنی که از طریق ایمیل دریافت کرده‌اید، در سر میز صبحانه برای اعضای خانواده، با صدای بلند بخوانید. هر وقت احساس کردید ممکن است کلمه‌ای یا ماجرای کودک شما را ناراحت کند یا او پیام اشتباه دریافت کند، از خواندن آن قسمت خودداری کنید. مطمئناً همین کار را دلتان می‌خواست با بعضی قسمت‌های فیلم‌ها انجام دهید، این‌طور نیست؟

● بعضی‌ها فکر می‌کنند آینده در دست دنیای دیجیتال است و دوران کتاب به پایان رسیده است. خوب است به این حقیقت اشاره کنیم که کتاب‌های هزار سال پیش را هم‌اکنون

می‌توان خواند، بدون این‌که احتیاج به باتری یا برق یا نرم‌افزاری مناسب باشد. ولی خود شاهد بوده‌ایم که دیگر نمی‌توانیم نوارهای ویدئویی و VHS، فیلم‌های هشت میلی‌متری و مشابه آن را ببینیم. اصولاً منازل جایی برای آن دستگاه‌های بزرگ ندارند و در ضمن فایل‌های word 95 را دیگر نمی‌توانیم باز کنیم. مقالات، مجلات و اطلاعاتی را که امروز در دسترس شماست، معلوم نیست در چند دهه‌ی بعد چه می‌شود! خودتان با سی‌دی‌هایی که دیگر خوانده نمی‌شود و دی‌وی‌دی‌هایی که دیگر باز نمی‌شوند، روبه‌رو هستید ولی یک کتاب را هر چند کهنه و رنگ و رو رفته می‌شود، به راحتی و با احساس قدرشناسی می‌توان باز کرد و مشغول شد. خواندن کتاب‌های الکترونیکی چشم را بسیار خسته می‌کند و این به‌خاطر صفحه‌ی روشن کامپیوتر است. علاوه بر این وضوح کلمات نیز در صفحه‌ی نمایش کمتر است تا در چاپ. انعکاس نور آفتاب در گوشی‌های همراه نیز خواندن را مشکل می‌کند. دوران کتاب ممکن است کم‌رنگ شود و رقبا گاهی میدان را بگیرند ولی هنوز به پایان نرسیده است، آن هم برای کودکان و کتاب‌های مصور و یا دست‌کم هنوز در ایران.

